



خِرَدَ بر سرِ جان
نامگانهٔ استاد دکتر احمدعلی رجایی بخارایی

به درخواست و کوشش
محمدجعفر یاحقی،
محمدرضا راشد محصل، سلمان ساکت



فهرست مطالب

۱۱	دانش و آزادگی و
۱۵	ز تو نام باید که ماند بلند
۱۷	سال شمار زندگی و کتاب شناسی شادروان دکتر احمد علی رجائی بخارائی
۲۱	یاد آن دوست، با عیار انسانی / دکتر احمد مهدوی دامغانی
۲۳	دکتر رجائی در دانشگاه / دکتر پرستو کریمی
۵۱	کیست آن استاد گندآو مند بی همتا؟ / اصغر ارشادسرایبی
۷۷	استاد من رجایی / دکتر محمد جعفر یا حقی
۹۵	در آن دو گوی سبز مورّب / دکتر سیروس سهامی
۹۹	یادی از همکار فقید استاد دکتر احمد علی رجائی بخارائی / دکتر غلامعلی ناصح
۱۰۷	یاد یاران یار را میمون بود / دکتر سید محمد ترابی
۱۱۱	یادهای ماندگار / غلامرضا زرین چیان
۱۱۵	خاطره‌هایی از فرهنگنامه قرآنی / محمدرضا مرتاض (نهمیب پور)
۱۱۹	یادنگاره اسطوره‌خوان سالهای دور / عباس جلالی
۱۲۵	با دکتر رجائی / علی باقرزاده (بقا)
۱۲۹	کو آنکه ز پا ماند و تو دستش نگرفتی؟ / مهین ارشادسرایبی
۱۳۷	شعرهای تقدیمی / استاد محمد قهرمان و دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی
۱۴۱	شعر دکتر رجائی
۱۴۵	تصویرها
۱۵۱	حکیمما چو کس نیست گفتن چه سود
۱۵۳	نخستین فکرت پسین شمار / دکتر فتح‌الله مجتبائی
۱۵۹	بازشناسی یکی از القاب کهن ضحاک در نام ارنواز / دکتر چنگیز مولائی
۱۶۹	از داستانهای شاهنامه تا داستانهای شاهنامه‌شناسی / دکتر محمود امیدسالار
۱۷۹	فردوسی و شعوبیت / دکتر سجّاد آیدنلو
۱۹۳	که من شهر علمم علیم در است / ابوالفضل خطیبی
۱۹۹	روایتی دیگر از به آسمان رفتن کیخسرو / دکتر آرش اکبری مفاخر
۲۱۹	راوی فردوسی / دکتر فرامرز آدینه کلات
۲۳۳	حکمت‌های علوی و سروده‌های فردوسی / سلمان ساکت

- ۲۴۹ پیرسیدم از مرد نیکوسخن
- ۲۵۱ یادی از هانری کربن / دکتر مهدی محقق
- ۲۵۷ امیل بَنُونیست: ایران‌شناس و زبان‌شناس والامقام / دکتر محمدجعفر معین‌فر
- ۲۶۷ ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی در حملهٔ حیدری / دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی
- ۲۸۹ فروزانفر در محضر ادیب نیشابوری / دکتر یدالله جلالی پندری
- ۳۱۷ خرد در تاریخ بیهتی / مهدی سیدی
- ۳۴۷ گهرها یک اندر دگر ساخته
- ۳۴۹ بحثی در باب کتاب «پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی ...» / دکتر علی‌اشرف صادقی
- ۳۸۹ ابدال در فرهنگ اشعار حافظ و دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی / دکتر نصرالله پورجوادی
- ۳۹۵ یادی از استاد رجایی و سخنی دربارهٔ کتاب لهجۀ بخارایی / دکتر محمدتقی راشد محصل
- ۴۰۵ دندان‌مزد استانبول / دکتر مهدی نوریان
- ۴۱۹ بدایعی از «بدایع الوقایع» / دکتر ابراهیم قیصری
- ۴۳۹ چو دیدار یابی به شاخ سخن
- ۴۴۱ دگرگونی رمزها در شعر فارسی / دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
- ۴۴۷ معمای گناه «با یک لنگه کفش راه رفتن» و ... / دکتر ژاله آموزگار
- ۴۵۷ فرهنگ، زبان معیار و ادبیات فارسی / دکتر تقی پورنامداریان
- ۴۶۹ خاتون رشا / دکتر عباس ماهیار
- ۴۸۱ سر پیاله بیوشان / دکتر محمود عابدی
- ۴۹۳ اوزان شعر ایران باستان / دکتر حسن رضایی باغبیدی
- ۵۲۳ «احمد» گوئی در ادبیات فارسی / سید علی آل‌داوود
- ۵۳۷ پسته در سروده‌های سیف فرغانی / محمدرضا ابریشمی
- ۵۵۵ جغرافیای شکل‌گیری اندیشه در جهان اسلام / دکتر محمدرضا راشد محصل
- ۵۶۷ «ایشان» در سنت صوفیانهٔ فرارود، آسیای مرکزی و چین / محمدرضا حسین ساکت
- ۵۸۹ تأویلی دیگر از شعر «نشانی» / دکتر سید مهدی زرقاتی
- ۶۰۹ جلوه‌ی آسمانی سخن در پیرایش منش آدمی / دکتر محمدمهدی ناصح
- ۶۲۷ «باب برزیویه در کلیله و دمنه» اثر یاول کراوس / دکتر عبدالله رادمرد و اسماعیل علی‌پور
- ۶۳۹ بازاندیشی در حوزهٔ معنایی و کاربردی عنوان «استاد» / محمدمهدی ناصح
- ۶۵۵ گویش‌شناسی: پشتوانه‌ای ارزنده برای مطالعات ... / محمدمامین ناصح و زهرا استادزاده
- ۶۸۹ ترجمهٔ مُناجاتِ خَمسه‌عشر / جویا جهانبخش
- ۷۲۱ ارزش معیارالاشعار طوسی / محسن ذاکرالْحسینی
- ۷۳۳ بررسی تکوینی نظریهٔ افلاطون دربارهٔ شعر و ... / دکتر فرزاد قائمی
- ۷۵۱ آویزه
- ۷۵۳ بحث در آثار و افکار اقبال لاهوری (نمونه‌ای از درس گفتارهای دکتر رجایی)

حکمت‌های علوی و سروده‌های فردوسی
(تحلیلی بر دلایل و چگونگی تدوین کتاب خردنمای جان افروز)

سلمان ساکت

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه فردوسی مشهد

۱. مقدمه

۱-۱. پیشینه تدوین سخنان امام علی(ع)

بررسی منابع مختلف نشان می‌دهد که به احتمال فراوان، نخستین کسی که به جمع‌آوری و تدوین سخنان امام علی(ع) همت گماشت، جاحظ (م: ۲۵۵ هـ.)، ادیب سخن‌شناس و نویسنده پرآوازه عرب بود. او علاقه وافری به سخنان و کلمات قصار امام داشت تا آنجا که می‌گفت: «دوست می‌داشتم همه مصنفاتم را می‌دادم و نسبتشان را از خود باز می‌بریدم، و آنگاه سه کلمه از کلمات منسوب به علی بن ابی طالب(ع) را برمی‌گرفتم، و به من منسوب می‌گردید» (بیهقی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). این علاقه و اشتیاق همراه با درخواستهای مکرر دوستان و مصاحبانش سبب شد تا او صد سخن از گفته‌های آن حضرت را که به نظرش با هزار سخن برابر بود، برگزیند و یکجا فراهم آورد (خوارزمی، ۱۴۱۱: ۳۷۴ و بحرانی، ۱۳۸۵: ۳۶).^۱

پس از جاحظ، قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامه قضاعی (م: ۴۵۴ هـ.) کتاب دستور معالم‌الحکم و مأثور مکارم‌الشیم را تألیف کرد که افزودن بر کلمات قصار امام علی(ع)، پاره‌ای از خطبه‌ها، پاسخ چند پرسش و نیز برخی از اشعار منسوب به آن حضرت را نیز در آن گرد آورد.

کتاب دیگر، غُرِّ الحکم و دُرِّ الکلم تألیف ابوالفتح عبدالواحد بن محمّد آمدی تمیمی (م: نیمه اول سده ششم) است که در برابر جاحظ که تنها صد کلمه را برگزیده بود، بیش از یازده هزار کلمه را انتخاب کرد و بر حسب حروف تهجی ترتیب داد.^۲

ثالثاً مجموعه دیگری است از سخنان کوتاه امام علی (ع) که بسیاری آن را گردآورده طبرسی (م: ۵۴۸ هـ.)، مفسر بزرگ شیعه، دانسته‌اند.^۳ این مجموعه نیز به ترتیب حروف تهجی فراهم آمده است و در حدود سیصد کلمه از کلمات قصار آن حضرت را در بر می‌گیرد.

ابن ابی الحدید (م: ۶۵۶ هـ.)، شارح معروف نهج البلاغه، در پایان شرح خود هزار سخن از امام علی (ع) را به عنوان تکمله‌ای بر نهج البلاغه آورده و آن را الحکم المنثوره نام نهاده است.^۴

در این میان صد کلمه جاحظ - شاید به علت فضل تقدّم - بیش از دیگر کتابها مورد توجه قرار گرفت و پس از او نویسندگان بسیاری به شرح آن همت گماردند، از جمله رشیدالدین وطواط (م: ۵۷۳ هـ.)، ابن میثم بحرانی (م: ۶۷۹ یا ۶۹۹ هـ.)^۵ و عبدالوهّاب که شرح نخستین آمیخته‌ای از عربی و فارسی و دو شرح دیگر به تمامی به زبان تازی نوشته شده است.^۶

۱-۲. پیشینه پیوند سخنان امام علی (ع) با سروده‌های شاعران

پیوند سخنان و کلمات قصار امام علی (ع) با اشعار و سروده‌های شاعران از دو نظر قابل بررسی است: یکی ترجمه‌های منظومی که از سخنان آن حضرت فراهم آمده است و دیگری قرار دادن کلمات امام در کنار بیت یا ابیاتی از شاعران.

۱-۲-۱. ترجمه‌های منظوم

کهن‌ترین ترجمه منظوم فارسی از سخنان امام علی (ع)، ترجمه منظوم وصیت‌نامه آن حضرت به فرزندش، امام حسین (ع) است که به احتمال زیاد سروده سید حسن غزنوی (م: ۵۵۶ هـ.) است. این مجموعه شامل ۱۰۱ بیت است که در ترجمه بندها یا فقره‌های وصیت امام سروده شده است.^۷

پس از سید حسن غزنوی (ملقب به اشرف)، رشیدالدین وطواط دومین کسی است

که ترجمه منظومی از سخنان امام علی (ع) فراهم آورده است. او صد کلمه‌ای را که جاحظ از کلام امام (ع) برگزیده بود، ابتدا به تازی و پارسی شرح کرده و سپس دو بیت شعر از آن خود، در ترجمه هر یک از آن کلمات آورده و آن مجموعه را مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب نامیده است.^۸

ابوالمحسن محمد بن سعد بن محمد نخجوانی معروف به ابن ساوجی هم نثر اللّٰثالی را به نظم ترجمه کرده و آن را درة المعانی فی ترجمة اللّٰثالی نام نهاده است. این اثر شامل ترجمه ۲۶۳ کلمه از کلمات امام علی (ع) است که هر کدام در یک بیت ترجمه شده است و با مقدمه‌ای که در توحید و مدح پیامبر (ص) و علی (ع) و سبب ترجمه نثر اللّٰثالی دارد و نیز دو بیتی که در تاریخ ترجمه سروده شده، جمعاً ۲۹۸ بیت است. بر اساس همین دو بیت آخر، ابن ساوجی اثر خود را در سال ۷۲۹ هـ. در اصفهان به رشته تحریر درآورده است. پس از ابن ساوجی، درویش اشرف مراغی (م: ۸۶۴ هـ.) نیز به ترجمه منظوم نثر اللّٰثالی پرداخت و هر کلمه را در دو بیت و در قالب مثنوی به نظم درآورد.^۹

محمد بن حسام خوسفی (م: ۸۷۵ هـ.) - سراینده خاوران‌نامه - نیز هر کلمه از نثر اللّٰثالی را به یک بیت فارسی برگردانده که در دیوان وی به چاپ رسیده است. همچنین در سال ۸۶۷ هـ. سراینده‌ای با تخلص «صدر» ۱۷۷ کلمه از نثر اللّٰثالی را به ۱۷۷ بیت فارسی ترجمه کرده است (کلمات قصار امام علی (ع)، ۱۳۸۹ (مقدمه): ۱۹-۲۰).

کتاب دیگر در این دسته، ترجمه الاخبار العلویة است که نظام‌الدین محمود بن حسن الحسنی، ملقب به الدّاعی الی الله و مشهور به شاه داعی شیرازی (م: حدود ۸۷۰ هـ.) آن را در سال ۸۶۸ هـ. فراهم آورده و در آن چهل سخن منسوب به امام (ع) را به نظم ترجمه کرده است.

در سال نهصد هجری، عادل بن علی شیرازی صد کلمه را به صد بیت فارسی ترجمه کرد.^{۱۰} او همچنین نثر اللّٰثالی را نیز در ۲۶۰ بیت به نظم درآورد. و آن را نظم اللّٰثالی فی ترجمة نثر اللّٰثالی نامید.

علاقه مترجمان و شاعران به ترجمه منظوم کلام امام (ع) در سالهای بعد نیز ادامه یافت و کسانی چون یار علی بن عبدالله علانوی تبریزی در سال ۹۱۸ هـ. ۱۲۹ کلمه از نثر اللّٰثالی را انتخاب و هر یک را به دو بیت فارسی برگرداند (کلمات قصار امام علی (ع)، ۱۳۸۹ (مقدمه): ۳۵). همچنین مکتبی (زنده در سده نهم هجری)، هفتاد کلمه از نثر اللّٰثالی

را به نظم ترجمه و شرح کرد و آن را کلمات علیّه نام نهاد.^{۱۱} پس از او باید از شاعری به نام اسدی یاد کرد که نام کامل و تاریخ حیاتش بر ما پوشیده است. وی ۲۹ کلمه از کلمات امام (ع) را به ترتیب حروف تهجی تنظیم کرده و مفهوم آنها را در دو بیت به نظم درآورده است.^{۱۲} افزون بر این دو، شاعری به نام ندیمی نیز که گویا در سده نهم یا دهم می زیسته، ثرالثالی را به نظم کشیده است (وطواط، ۱۳۸۶ (مقدمه مصحح): ۲۷-۳۲).^{۱۳}

از دقت در این آثار - که بی تردید شمار آنها قابل گسترش است - می توان دریافت که پس از ترجمه منظوم رشیدالدین وطواط از صد کلمه جاحظ و سید حسن غزنوی از وصیت امام به فرزندش، اغلب شاعران مترجم به ثرالثالی روی خوش نشان داده اند و آن را برای ترجمه منظوم برگزیده اند.

۱-۲-۲. قرار دادن کلمات امام علی (ع) در کنار سروده های شاعران

منظور از این کنار هم قرار دادن، نقل اشعاری است در کنار سخنان امام (ع) که صرفاً به منظور ترجمه کلمه یا کلمات حضرت سروده نشده است، بلکه مؤلف تنها از سر شباهت یا به دلیل تأکید و تعمیم معنا، آنها را کنار هم قرار داده است. در زیر به نمونه هایی از این کار اشاره می شود:

- «امیرالمؤمنین علی - کرم الله وجهه - گفته است: «المرء عدو لما جهله، یعنی مرد دشمن آن چیز بود که نداند.»
و ابوشکور گوید:

ابی دانشان بار تو کی کشند ابی دانشان دشمن دانشند

(اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۷؛ نیز - عابدی، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

- «... و از اینجا گفت امیرالمؤمنین، علیه السلام: «لا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَ انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ.»
گفت: «به گوینده منگر که کیست. به سخن او نگر، که او را از سخن او بشناسی.»

و شاعر پارسیان هم این معنی گفت:

سخن آرای هر چه بر دارد	مایه خویش از او پدید آرد
بنماید به خلق پایه خویش	آگهیشان دهد ز مایه خویش
گر چه مردی بزرگوار بود	در معانی سخن گزار بود

تا نگوید سخن ندانندش خیره و غم‌سار خوانندش
مرد زیر زبان بود پنهان^{۱۴} سایر است این مثل به گرد جهان
(رازی، ۱۳۷۱-۱۳۷۵: ۹۹/۱۱؛ نیز - عابدی، همان: ۷۹)

- قال المرتضی علی، علیه الصلوة والسلام: «الدنيا غرورٌ حائلٌ وظلٌّ زائلٌ و ضوءٌ آفیلٌ
و سنادٌ مائلٌ، رتیقٌ مشربها، ردغٌ مشرعها، یونقٌ منظرها، [و] یونقٌ مخبرها.»
زین تیره‌گاه رو که نهنگ است بر گذر زین سبزه‌جای خیز که زهر است در گیا
گیتی سیاه‌خانه شد از ظلمت وجود گردون کب در جامه شد از ماتم وفا
(شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۹۵؛ نیز - عابدی، همان: ۱۰۴)
جالب آنکه این دو بیت از خاقانی است (- خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۱/۱) و مؤلف تاریخ
وصاف سروده خاقانی را با سخن امام (ع) همراه کرده است.

- شخصی از امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - پرسید که: «ادب از که آموختی؟»
گفت: «از بی‌ادبان.»

گفت با شیر خدا اعرابی کای به دانش سرور فرزندگان
در طریق عقل استادت که بود گفت: اگر باور کنی، دیوانگان
(مجد خوافی، ۱۳۸۲: ۳۶؛ نیز - عابدی، همان: ۹۲)
تحلیل و بررسی همراهی سخنان و کلمات امام علی (ع) با شعر شاعران، با این موارد
اندک امکان‌پذیر نیست و خود پژوهشی جداگانه را طلب می‌کند، اما از همین مثالها
می‌توان دریافت که از گذشته‌های دور نویسندگان به پیوند میان سخنان امام (ع) و
سروده‌های شاعران علاقه فراوانی داشته‌اند و گویی برای فهم بهتر و ژرف‌تر کلمات
حضرت، شعر را که با روح و روان ایرانیان و پارسی‌گویان عجین شده است، راهی
مفیدتر و ثمربخش‌تر می‌دانسته‌اند.

۲. پیوند سخنان امام علی (ع) با سروده‌های فردوسی

تا آنجا که می‌دانم قدیمی‌ترین سندی که در آن بیتی از فردوسی با سخن امام علی (ع)
همراه شده است، نامه‌های عین‌القضات همدانی است. او در بحثی که درباره تفسیر ظاهر و
باطن آیات قرآن دارد، می‌نویسد: «اگر تفسیر هم این قدر ظاهر است، پس علی بن

ابی طالب چرا گفت: «از تفسیر فاتحه‌الکتاب، اگر خواستی هفتاد شتر پربار کردمی، لو شئت لأوقرت من تفسیر فاتحه‌الکتاب سبعین بعیراً.» لابل و لابل.

از این راز جان تو آگاه نیست بدین پرده اندر تو راه نیست»

(عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۱/۳۵۰؛ نیز عابدی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

گر چه آوردن بی‌تی از فردوسی در کتاب عین‌القضات - با توجه به منظومه فکری او - خود جالب توجه است، افزون بر این، کنار هم قرار دادن سخن امام (ع) و بی‌تی از فردوسی نیز از سوی او در خور تأمل ویژه است.

شاید اگر جستجو را گسترش دهیم نمونه‌های دیگری هم از این دست یافت شود، اما این همه بی‌تردید به صورت اتفاقی و به احتمال زیاد از اندیشه‌ای گذرا و لحظه‌ای نشأت گرفته است. به سخن دیگر نویسنده به هنگام نگارش، به یکباره ذهنش متوجه بیت فردوسی شده و آن را بهترین وسیله برای تأکید و تعمیم سخن خود یا امام (ع) یافته است. حال آنکه نویسنده‌ای خوش ذوق از سده ششم یا هفتم کتابی مستقل به نام خردنمای جان‌افروز (یا خردنامه) به منظور کنار هم قرار دادن سخنان امام علی (ع) و ابیات فردوسی ترتیب داده که در نوع خود بی‌نظیر است و نمونه‌ای بر آن نمی‌توان در نظر گرفت.

۱-۲. مؤلف

بر اساس نسخ خطی این کتاب، نام مؤلف ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی است که بجز همین نام هیچ آگاهی دیگری درباره او در اختیار نداریم. از آنجا که کهن‌ترین نسخه موجود از این رساله، به سال ۷۲۹ ه. به دست محمد بن سعد نخجوانی، معروف به ابن ساوجی، در شهر اصفهان نوشته شده است، پس می‌توان گمان برد که عمده زندگی مؤلف باید پیش از قرن هشتم، یعنی در سده‌های ششم یا هفتم باشد. جالب آنکه برخلاف سنت معمول آن روزگار، ابوالفضل مستوفی اثر خود را به دربار پادشاهی عرضه نکرده و آن را به نام پادشاهی، وزیری یا امیری ننوشته است. لذا از این راه نمی‌توان اطلاع خاصی درباره مؤلف و دوره زندگی‌اش به دست آورد. با این همه چون کتاب، در اصل شرحی - البته متفاوت با دیگر شروح - بر صد کلمه امام (ع) است، شاید بتوان حدس زد که او دنباله‌رو رشیدالدین وطواط در مطلوب کلّ طالب بوده است. بنابراین با توجه به مرگ رشیدالدین وطواط در دهه هشتم سده ششم، شاید بیشترین روزهای عمر مستوفی در سده هفتم سپری شده باشد.

۲-۲. نسخه‌ها و چاپها

گویا از این رساله پنج نسخه برجای مانده است که به جز نسخه کتابخانه چستربیتی که به تاریخ ۷۲۹ هـ. نوشته شده، سایر نسخ تاریخ کتابت ندارند. این نسخه اگر چه کهن‌ترین دست‌نویس است، اما صحیح‌ترین به شمار نمی‌آید، چرا که کاتبش - محمد بن سعد نخجوانی - خود اهل ذوق و ادب بوده و در بسیاری از موارد، عبارات و کلمات را به ذوق خویش تغییر داده است.^{۱۵}

این رساله دو بار به چاپ رسیده است. نخستین بار در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به کوشش ادیب برومند، بر اساس دو نسخه تصحیح شد و توسط انجمن آثار ملی به چاپ رسید. حدود بیست سال پس از آن، در سال ۱۳۶۸، دکتر محمود عابدی تصحیح دیگری از آن بر مبنای پنج نسخه و نیز نسخه چاپی ادیب برومند فراهم آورد که بهتر و منقح‌تر است.

۲-۳. ساختار کتاب

کتاب ساختاری سه بخشی دارد، بدین صورت که مؤلف صد عنوان را برگزیده و ذیل هر یک، ابتدا سخنی از نامداران دوران آورده، سپس کلامی از امام علی (ع) نقل کرده و در پایان ابیاتی از حکیم طوس را بر آنها افزوده است. بدین گونه او صد عنوان یا به عبارت بهتر، صد موضوعی را که انتخاب کرده، به سه زبان مختلف بیان نموده است: الف) بخشی که ویژه سخن یکی از بزرگان و نامداران است و به احتمال زیاد از متون عربی ترجمه شده است.

ب) قسمتی که شامل کلمات قصار و سخنان کوتاه امام علی (ع) است.

ج) بخشی که اشعار فردوسی را در بر می‌گیرد.

۲-۴. انگیزه مؤلف

ابوالفضل مستوفی در مقدمه کوتاه کتاب خود نوشته است:

«قربت و منادمت مجلس پادشاهان و بزرگان، مرد خردمند به سخن خوب باید (چاپ ادیب برومند: یابد)، خاصه که بر سر وقت گوید. و نیز قاعیده الفت میان خردمندان به گفتار لطیف استوار گردد، و نهاد مردم بر آن است که چون سخن حکمت به نظم و نثر

بشود حالی جان او بیاساید، و چون معنی او به خاطر او پیوندد و کار بندد نام خردمندی بر وی افتد. بدین معانی این چند سخن تألیف کرده آمد و به امثال امیرالمؤمنین - علیه السلام - و به نظم فردوسی آراسته گردانیده شد تا هر که تأمل کند، جان او بیفروزد و خرد او بنماید» (مستوفی، ۱۳۶۸: ۱).

بنابراین ابوالفضل مستوفی رساله خود را بدین قصد نوشته که مطالعه «سخنان خوب» شایستگی قربت و منادمت پادشاهان و بزرگان را فراهم می آورد و آموختن «گفتار لطیف» قاعده الفت و مودت را استوار می گرداند، و چون به زعم او، آدمی وقتی سخنان حکمت آمیز را به نظم و نثر می شنود، جاننش برمی افروزد و می آساید و نیز هنگامی که آنها را به خاطر می سپارد و به کار می بندد، سزاوار صفت «خردمند» می شود، پس دست به تألیف چنین اثری زده است.

۲-۵. تحلیل و بررسی کتاب

بخش اول هر یک از صد عنوان - همان طور که گفته شد - سخنان بزرگان و نامدارانی است که به احتمال زیاد از متون عربی ترجمه شده است. از مجموع صد سخنی که در این بخش نقل شده، تنها در هفتاد سخن به نام گوینده اشاره شده، بنابراین سی سخن بدون نام گوینده آمده است. آن هفتاد سخن هم در مجموع از سی تن نقل شده است که تنوع این اسامی در ساحت جغرافیای زمانی و مکانی و نیز ایدئولوژی و اندیشه حاکم بر اذهان آنان، گونه گون و بسیار متفاوت است.

گویندگان این اقوال را در سه دسته بزرگان و نامداران یونان، ایران و اسلام می توان جای داد. تنوع گویندگان در دل هر یک از این سه حوزه (یا سه اندیشه) نیز گسترده و فراگیر است. برای نمونه در اندیشه یونانی از اسکندر و ارسطاطالیس و افلاطون و بقراط سخن نقل شده است. از اندیشه ایرانی هم نامهایی چون انوشیروان، پرویز و بزرجمهر دیده می شود. اما بیشترین تنوع و گستردگی از آن اندیشه اسلامی است تا آنجا که از امام علی (ع) و خلفای سه گانه گرفته تا لقمان و حسن بصری و ابن عباس و احنف بن قیس و معاویه و عمرو عاص، و حتی از افراد متأخرتری همچون ابو حیان توحیدی و بونصر کندی گرفته هایی نقل شده است.

در جدولی که به جستار حاضر پیوست کرده ام، فهرست گویندگان و تعداد نقل

قولهای ایشان را نشان داده‌ام (بنگرید به: ص ۲۴۶). همان طور که دیده می‌شود بیشترین نقل قولها مربوط است به سخنان بزرجمهر و ارسطاطاسیسیس، به ترتیب با دوازده و هفت قول. پس از این دو، بیشترین نقل قولها از آن لقمان با پنج و امام علی (ع) با چهار قول است. دقت در این جدول نشان می‌دهد که بیشتر سخنان از بزرگان و نامداران حوزه اسلام نقل شده است و تعداد نقل قولهای مربوط به نامداران یونان و ایران تقریباً یکسان است. از این بررسی و مقایسه می‌توان نتیجه گرفت که چه بسا مؤلف کتاب، بر آن بوده تا سه اندیشه یونانی، ایرانی و اسلامی را با یکدیگر پیوند دهد. هر چند همراه کردن این سخنان با کلمات امام علی (ع) و سروده‌های فردوسی خود نوعی دیگر از این پیوند را به نمایش گذاشته است. جالب آنکه در مقدمه شاهنامه نیز تعامل و پیوند این سه اندیشه آشکارا به چشم می‌خورد (مهاجرانی، ۱۳۷۷).

بخش دوم سخنان امام علی (ع) است که مصحح دانشمند و کوشای کتاب، رد پای اغلب آنها را در کتب مرتبط مانند نهج البلاغه، غرر و درر، دستور المعالم و ... یافته است. با این همه در این رساله، ۳۴ جمله به امام (ع) نسبت یافته که - بر اساس جستجوی مصحح - در منابع دیگری که گفتار و سخنان امام در آنها گردآمده، پیدا نشده است. بنابراین اگر بنا را بر صحت انتساب این کلمات بگذاریم، اثر مستوفی را باید منبعی ارزشمند برای دست‌یابی به «گوهرهای پراکنده»^{۱۶} امام علی (ع) به شمار آوریم.

قسمت سوم سروده‌های فردوسی است. مصحح محترم در مقدمه خود تعداد ابیات را بالغ بر ۲۷۵ بیت نوشته (مستوفی، ۱۳۶۸ (مقدمه مصحح): ۱۴)، حال آنکه دکتر خالقی مطلق شمار آنها را ۲۵۲ بیت دانسته است (خالقی مطلق، ۱۳۷۴: ۷۳۸). شمارش دقیق نگارنده نشان می‌دهد که ۲۵۶ بیت در این کتاب آمده است که چون ممکن است برخی از آنها از آن فردوسی نباشد یا بدو منسوب شده باشد، به احتمال زیاد سخن دکتر خالقی مطلق دقیق‌تر و صحیح‌تر است.

اگر چه ابیات آمده در کتاب، از سراسر شاهنامه انتخاب شده است، اما بیشترین آنها متعلق به جلدهای هفتم و هشتم شاهنامه چاپ مسکو است که به دوره تاریخی شاهنامه پیوند می‌گیرد. همچنین اغلب ابیات مربوط است به هنگامی که پادشاهی بر تخت می‌نشیند و همگان را اندرز می‌دهد. این ابیات آشکارا در زمره اندرزنامه‌های کهن ایرانی به شمار می‌آیند و به نظم در آوردن آنها از سوی فردوسی، تداوم اندیشه ایرانشهری را در

ایران دوره اسلامی نشان می‌دهد. افزون بر این، پیوند ابیات با پادشاهان ساسانی خود در خور توجه است و چه بسا از اندیشه سیاسی و تفکر ویژه مؤلف سرچشمه گرفته باشد. به سخن دیگر شاید نویسنده بر آن بوده تا اخلاق و حکمت پادشاهان ساسانی و نیز قدرت و اقتدار حکومت ایشان را به رخ پادشاهان و حکام روزگار خود بکشد.

درنگ در عناوین هر بخش و نیز سخنان بزرگان و کلمات قصار امام(ع) و ابیات فردوسی، بر ما آشکار می‌سازد که در حدود نیمی از آنها به پادشاه و اطرافیان او در دربار - مانند وزیر و دبیر - مربوط است. آن تعداد هم که به طور مستقیم با پادشاه و دربار پیوند نمی‌گیرد، درباره مسائل اخلاقی و حکمی است که در واقع، غیرمستقیم توصیه‌هایی به اوست تا جلو نابخردیها و سبکسریهای احمقانه وی گرفته شود.

برای نمونه، کتاب با «خرد ورزیدن» آغاز می‌شود. مؤلف از قول لقمان می‌نویسد: «غایت بزرگی و شرف در دنیا و آخرت خرد و دانش است، و هر که خردمند و دانا باشد معایب وی پوشیده ماند ...». او در ادامه سخن امام علی(ع) را می‌آورد که می‌فرماید: «العَاقِلُ يَسْعَى فِيمَا بَقِيَ جَمَالُهُ وَ يَفْنَى (چاپ دکتر عابدی: یفنی) عَنْهُ وَبِأَلِهِ» (خردمند سعی در آن کند که جمالش با او بماند و وبالش از او ببرد).

سپس از زبان فردوسی می‌گوید:

خرد همچو آب است و دانش زمین	بدان کاین جدا و آن جدا نیست زین
فروغ است جان و روان را خرد	انوشه کسی کو خرد پرورد
خرد مرد را خلعت ایزدی است	سزاوار خلعت نگه کن که کیست

(مستوفی، همان: ۲)

این نکته در خور تأمل است که این کتاب، همانند شاهنامه با «خرد» آغاز شده و حتی در مقدمه کوتاه آن نیز - که پیشتر بدان اشاره شد - چندین بار واژه‌های «خرد» و «خردمند» به کار رفته است. این همه بی‌تردید از توجه و دلبستگی مؤلف به شاهنامه و آرمانهای فردوسی حکایت دارد.

عناوین بعدی «در خون ناریختن پادشاه» و «در استزادت ناداشتن از پادشاه» و «طریق عدل سپردن» اوست. همچنین در سراسر رساله، عناوینی چرن امساک نکردن پادشاه، کینه نداشتن او از دیگران، اهمیت وزیر ناصح و دبیر کاردان، آهستگی نمودن با مردم بدکردار، راز ناگفتن با زنان، تأمل کردن در حال مردمان، خشم فروخوردن و بردباری،

حزم و اندیشه در کارها، خون به ناحق نریختن و ... نیز دیده می‌شود که آشکارا دغدغه مؤلف را در فراهم آوردن رساله‌ای مختصر و کاربردی برای پادشاهان و حاکمان نشان می‌دهد، تا از یک سواصول سیاست‌ورزی و حکومت‌داری را به آنان بیاموزد، و از سوی دیگر با اینچنین توصیه‌های اخلاقی، سرکشیها و آشفته‌کاریها ایشان را مهار کند.

جدا از این مسائل، ابتکار و خلاقیت مؤلف در کنار هم قرار دادن صدباره حضرت علی(ع) و فردوسی، شایان توجه ویژه است، چرا که نثر زیبا سخنان امام(ع) به تازی و نظم شیوای فردوسی به پارسی، به تفهیم مضامین مورد نظر مؤلف یاری رسانده است و چه بسا در به خاطر سپردن و تشویق مخاطب در به کار بستن آنها مؤثر افتاده باشد.

افزون بر این، شیوه مؤلف را باید در راستای تطبیق و پیوند میان اندیشه ایرانی و اسلامی بررسی و تحلیل کرد. بویژه در آن روزگار که برخی بر جدایی ایران و اسلام پای می‌فشرده و تمام کوشش خود را به کار می‌بستند که یا اسلام و آثار گرانسنگ آن را از میان بردارند و یا شاهنامه و هویت ایرانی را مهجور سازند، ابتکار مؤلف در پیوند سخنان امام(ع) و سروده‌های فردوسی، بی‌نظیر و نشان‌دهنده یک تفکر ویژه و هدفمند است. این امر در واقع همان است که در شعر مولوی نیز دیده می‌شود، آنجا که می‌گوید:

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیرخدا و رستم دست‌انم آرزوست

(مولوی، ۱۳۶۳: ۱/۲۵۵)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ابوالفضل مستوفی در واکنش به فضای سیاسی - اجتماعی روزگار خود، حکمت‌های علوی و سروده‌های فردوسی را در بستر اندیشه سیاسی با یکدیگر پیوند زده و آنها را همگام و همراه معرفی کرده است.

یادداشتها

۱. در مقدمه یکی از نسخه‌های مطلوب کلّ طالب، متعلق به کتابخانه ایاصوفیا که در سال ۶۸۶ ه. به رشته تحریر درآمده است و فهرست‌نگاران آن را «کذ الحکمه» نامیده‌اند، به جای مقدمه به این موضوع اشاره شده و از قول ابوالفضل احمد بن ابی طاهر (م: ۲۸۰ ه.) چنین آمده است: «مرا با ابو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ مدّتی مدید مجالست و مصاحبت بود و با او مخالطت داشتم، و جاحظ همی گفتمی که: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را - رضی الله عنه - صد کلمه است که هر کلمه‌ای برابر هزار کلمه باشد از فضیلت و حکمت و فصاحت و بلاغت، و این صد کلمه از محاسن سخن عرب است و از احاسن سخنهای ایشان داشته‌اند. و من مدّتی دراز از او التماس همی کردم و از او می‌درخواستم تا این صد کلمه را از بهر من به هم آرد و یا بر من املا کند، و او مرا وعده همی داد و طریق تغافل همی سپرد و بدان بخیلی می‌نمود. و چون جاحظ پیر شد و به آخر عمر رسید، مسودات و مصنّفات خود را جمع کرد و این صد کلمه از جمله آن بیرون آورد و به خطّ خویش بنوشت و به من داد» (وطواط، ۱۳۸۶ (مقدمه مصحح): ۱۱-۱۲).
۲. بر این کتاب شرح‌هایی نوشته شده که مهم‌ترین آنها شرح جمال‌الدین محمد خوانساری (م: ۱۱۲۵ ه.) است که به کوشش زنده‌یاد محدّث ارموی به چاپ رسیده است.
۳. درباره‌ی گردآوردن این اثر اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آن را از عزالدین علی بن فضل الله راوندی (زنده تا ۵۴۸ ه.) می‌دانند و گروهی آن را به فضل بن حسن طبرسی (م: ۵۴۸ ه.) نسبت می‌دهند (کلمات قصار امام علی (ع)، ۱۳۸۹ (مقدمه): ۱۷).
۴. باید در نظر داشت که افزون بر این کتابها، ادیبان و نویسندگان دیگری نیز شماری از سخنان و کلمات قصار امام علی (ع) را در میان تألیفات و نگاشته‌های خود آورده‌اند که از آن میان می‌توان به ابن شعبه حرّانی در تحف العقول، شیخ علی واسطی در عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المتعظ و الواعظ و ثعالبی در الاعجاز و الایجاز اشاره کرد.
۵. منابع درباره‌ی سال مرگ ابن میثم همدانستان نیستند. در اغلب منابع چون لؤلؤة البحرين، روّضات الجنّات و قصص العلماء سال مرگ او ۶۷۹ ه. نوشته شده، حال آنکه در کشف المحجوب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، کشف الظنون و الذریعه ۶۹۹ ه. آمده است. در اعلام زرکلی احتمال مرگ ابن میثم در سال ۶۸۹ ه. نیز مطرح شده است (بحرانی، ۱۳۸۵ (مقدمه و توضیح مترجم): ۱۷ و ۲۵).
۶. این دو شرح تازی توسط عبدالعلی صاحبی به فارسی ترجمه شده و توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. همچنین باید دانست که بنا به نقل صاحب کشف الظنون، مولی مصطفی بن محمد معروف به خواجگی زاده (م: ۹۹۸ ه.) صد کلمه امام علی (ع) را به ترکی ترجمه و شرح کرده است (وطواط، ۱۳۸۶ (مقدمه مصحح): ۲۲).

۷. دکتر محمود عابدی در مقدمه خود بر مطلوب کلّ طالب این اثر را شامل ۹۲ بند معرفی کرده است، حال آنکه ۱۰۱ بند دارد. این ترجمه منظوم به سال ۱۳۸۹ با مقدمه و تصحیح آقای جواد بشری، از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده است.
۸. وطواط هدف خود را از کنار هم قرار دادن شرح تازی و پارسی و ترجمه منظوم، چنین نوشته است: «تا فایده آن عام‌تر و منفعت آن تام‌تر باشد و هر دو فریق، هم ارباب نظم و هم اصحاب نثر، در مطالعه آن رغبت نمایند» (وطواط، ۱۳۸۶: ۶۴). جالب است که نگارش و تنظیم این رساله، چنان در دل بزرگان دین و دولت خوش می‌نشیند که از او می‌خواهند تا صد کلمه ابوبکر، عمر و عثمان را نیز فراهم آورد و آنها را به پارسی شرح کند.
۹. دکتر محمود عابدی در مقدمه خود بر مطلوب کلّ طالب، برگ مراغی را به سال ۱۳۶۴ هـ. نوشته است، اما آقای علی صفری آق قلعه - گویا بی‌اعتماد به این تاریخ - تنها به ذکر این نکته بسنده کرده که در سال ۱۳۶۱ هـ. زنده بوده است (کلمات قصار امام علی (ع)، ۱۳۸۹ (مقدمه): ۱۹). اثر اشرف مراغی به کوشش محمود طیار مراغی در میراث حدیث شیعه (دفتر سوم، صص ۲۶۵-۳۲۷) به چاپ رسیده است.
۱۰. متن این اثر با نام «صد و یک سخن منظوم عادل» به کوشش آقای جویا جهانبخش در میراث اسلامی ایران (دفتر ۸، صص ۲۹۷-۳۱۶) به چاپ رسیده است.
۱۱. این اثر نخستین بار به سال ۱۳۱۳ ش. از روی نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملک الشعراء بهار (به تاریخ کتابت ۱۰۳۶ هـ.)، به همت کوهی کرمانی به چاپ رسید. پس از آن در سال ۱۳۷۸ دکتر محمود عابدی آن را از روی همان چاپ اصلی، با رفع اغلاط و نگارش مقدمه و تعلیقات سودمند و تنظیم فهرس متعدد برای چاپ آماده کرد که از سوی نشر میراث مکتوب به زیور طبع آراسته گشت.
۱۲. برای آگاهی بیشتر درباره این دو اثر و نیز نسخه‌های آنها و ویژگی‌هایشان بنگرید به: مقدمه آقای علی صفری آق قلعه بر کلمات قصار امام علی (ع)، صص ۳۰-۳۲.
۱۳. ندیمی این اثر را در سال ۸۸۱ هـ. به نام شاهزاده ابوالمظفر معین‌الدین / بدیع‌الزمان بهادرخان و به فرمان مسیب مختار وزیر پادشاه تألیف کرده که به کوشش سید جعفر حسینی اشکوری در میراث حدیث شیعه (ج ۸، صص ۱۴۵-۲۲۸) به چاپ رسیده است (کلمات قصار امام علی (ع)، ۱۳۸۹ (مقدمه): ۲۲).
۱۴. این مصرع خود ترجمه سخن دیگری از امام (ع) است: «إله رءء مخبوءء تحت لسانه» (علی ابن ابی‌طالب، ۱۳۷۵: ۳۸۸ و ۴۳۲ و وطواط، ۱۳۸۶: ۷۲).
۱۵. فهرست دست‌نویس‌های این اثر - بر اساس مقدمه مصحح آن - عبارتند از:
- نسخه کتابخانه چستریتی به تاریخ ۷۲۹ هـ. در ۳۰ برگ و به خط نسخ خوش، نوشته ابن

ساوجی نخجوانی که عکس آن به شماره ۷۰۶۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. - نسخه کتابخانه ایاصوفیا، بدون تاریخ کتابت در ۱۴ برگ، به خط نسخ و نستعلیق که عکس آن به شماره ۵۴۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.

- نسخه کتابخانه کوپرلو، بدون تاریخ کتابت، در ۹ برگ که به خط نستعلیق است. این رساله در حاشیه برگهایی آمده که متن آن اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی است با تاریخ کتابت ۷۵۳ هـ. اما خط حاشیه با متن اختلاف دارد و احتمالاً از سده نهم یا دهم است.

- نسخه مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه ادیب برومند که تاریخ کتابت ندارد و ظاهراً از سده نهم یا دهم است. این رساله در ۲۷ برگ، در حاشیه اوراقی آمده که متن آن کلیله و دمنه نصرالله منشی است. عکس این نسخه نیز به شماره ۵۸۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.

- نسخه مجلس شورای ملی از کتب مرحوم حاج سید نصرالله اخوی، در ۸ برگ که گویا در سده‌های بعد از دهم و یازدهم به کتابت درآمده است (مستوفی، ۱۳۶۸) (مقدمه مصحح: ۲۰-۱۸).

۱۶. این تعبیر را از نام کتاب استادم، دکتر محمود عابدی وام گرفته‌ام.

جدول ضمیمه: فهرست گویندگان اقوال و تعداد نقل قولها

ایرانی			یونانی				
انوشیروان	پرویز	بزرجمهر	سقراط	بقراط	افلاطون	اسکندر	ارسطا‌طاسیس
۲	۳	۱۲	۲	۳	۴	۴	۷
۱۷			۲۰				
جمع							

اسلامی							
ابوبکر	ابن عباس	ابن المعتز	مأمون	عمرو عاص	احنف قیس	علی (ع)	لقمان
۱	۱	۱	۲	۲	۳	۴	۵

احمد ابوداود	بو حیان توحیدی	بو عبیده	بونصر کندی	حسن بصری	حسن علی	زیاد
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

سعید بن عاص	شعبی	عثمان	عمر	محمد عبدالملک	معاویه	یحیی بن خالد برمکی
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳۳						
جمع						

کتابنامه

۱. اشرف مراغی. (۱۳۷۸). «نظم نثر اللآلی»، به کوشش محمود طیار مراغی، در میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، صص ۲۶۵-۳۲۷.
۲. اصفهانی، علی بن ابی حفص بن فقیه محمود. (۱۳۸۲). تحفة الملوک، به تصحیح علی اکبر احمدی دارانی، تهران: میراث مکتوب.
۳. بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم. (۱۳۸۵). شرح صد کلمة امیرالمؤمنین، تصحیح، تعلیق، طبع و نشر میرجلال‌الدین الحسینی الارموی المحدث، ترجمه دکتر عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۴. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید. (۱۳۸۰). معارج نهج البلاغه، تحقیق اسعد الطیب، قم: بوستان کتاب.
۵. خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن نجار (۱۳۷۵). دیوان، ویراسته دکتر میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
۶. خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۴). «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، ایران‌شناسی، سال ۷، ش ۴، صص ۷۲۸-۷۵۱.
۷. خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۱۱). المناقب، تصحیح مالک محمودی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۸. خوسفی، محمد بن حسام. (۱۳۶۶). دیوان، به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
۹. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی خزاعی نیشابوری. (۱۳۷۱-۱۳۷۵). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش و تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. شیرازی، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۸۸). تاریخ و صاف، تهران: کتابخانه ابن سینا و جعفری تبریزی (افست).
۱۱. عابدی، محمود. (۱۳۸۸). گوهرهای پراکنده، تهران: سروش.
۱۲. عادل. (۱۳۷۷). «صد و یک سخن منظوم عادل»، به کوشش جویا جهانبخش، در میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم، صص ۲۹۷-۳۱۶.
۱۳. علی بن ابی طالب. (۱۳۷۵). نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ نهم.

۱۴. عین القضات، (۱۳۷۷). نامه‌های عین القضات همدانی، به اهتمام دکتر علینقی منزوی و دکتر عقیف عیسران، تهران: اساطیر، چاپ سوم.
۱۵. کلمات قصار امام علی (ع) (چاپ عکسی دو مجموعه شامل مائة کلمه و نثراللائی). (۱۳۸۹). با مقدمه علی صفری آق قلعه، تهران: میراث مکتوب و مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.
۱۶. مجد خوافی. (۱۳۸۲). روضة خلد، مقدمه و تحقیق: محمود فرخ، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۷. مستوفی، ابوالفضل یوسف بن علی. (۱۳۴۷). خردنامه، به تصحیح و کوشش ادیب برومند، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۸. _____ (۱۳۶۸). خردنمای جان افروز، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۹. مکتبی شیرازی. (۱۳۷۸). کلمات علیّه غرّه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، تهران: میراث مکتوب.
۲۰. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
۲۱. مهاجرانی، عطاءالله. (۱۳۷۷). حماسه فردوسی، تهران: اطلاعات، چاپ دوم.
۲۲. وطواط، رشیدالدین محمد بن محمد. (۱۳۸۶). مطلوب کلّ طالب، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، تهران: بنیاد نهج البلاغه، چاپ سوم.